

راه توده

شهره پاران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۶ ربیع الاخر
۱۴۰۳ و ۲۱ ژانویه ۱۹۸۴
سال اول، شماره ۲۵
هوا: ۴۰ درجه سانتیگراد

قانون واگذاری اراضی مزروعی به سرنوشت قانون بازرگانی خارجی دچار شد شورای نگهبان مصوبه مجلس را رد کرد چه کسانی می خواهند پیوند جمهوری اسلامی ایران با محرومان را قطع کنند؟

بگزارش صدای جمهوری اسلامی ایران، اکثریت فقهای شورای نگهبان قانون مصوب مجلس شورای اسلامی راجع به احیا و واگذاری اراضی مزروعی را "مغایر با موازین شرعی" تشخیص داد. ورد کرد. بدین ترتیب این قانون دچار همان سرنوشتی شد که پیش از این قوانین اراضی شهری و قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی و سایر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی که از جهت گیری بسود محرومان جامعه برخوردار بوده اند، بدان مبتلا گشته اند.

بی شک اهمیت ساله بر همه خوانندگان "راه توده" روشن است. بخش عظیمی از مردم مستضعف جامعه ما را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل می دهند که سالها تحت ستم فئودالها و بزرگ مالکین رنج بردند. اینک این قدر محروم و زحمتکش، بیش از سه سال است که چشم امید به حاکمیت انقلابی دوخته و بحق از او اقدام قاطع انقلابی جهت ریشه کن کردن بزرگ مالکی را، یعنی یکی از دو پایگاه عده اجتماعی حاکمیت طولانی امپریالیسم بر کشور ما، انتظار دارند. انقلاب ما که بغول آقای موسوی اردبیلی اگر قرار باشد چیزی به کسی بدهد، باید به مستضعفین، به کارگران و کشاورزان بدهد، می تواند و باید به غارت بی حد و حصر خوانین و بزرگ مالکین خاتمه داده از این طریق زمینه شکوفایی

بقیه در صفحه ۲

هنوز بعد از شاه نوبت آمریکا و اذنباش است شاه رفت!

۴ سال پیش، در روزی که شاه خائن گریخت و به دامان اربابان خود پناه برد، آسمان وطن در غرش شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" می لرزید. اکنون بعد از ۴ سالی که از فرار شاه میگذرد خلق قهرمان ایران در متن این نبرد قرار دارد. در ۴ سال گذشته، شاه خائن در زباله دان تاریخ مدفون شد. اما اربابان او، امپریالیستهای جهانی، بسرکردگی آمریکا، راه مشترک خود را با این نوکر مدفون شده ادامه دادند. در این مدت امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکاست توطئه های رنگارنگی علیه مردم قهرمان ما تدارک دید و به مرحله اجرا درآورد. امپریالیسم آمریکا با دو تانک "مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب" بقیه در صفحه ۱۰

روزنامه های تهران عصر روز ۲۶ دیماه، بدست درشت ترین حروف این مزده را به خلق دادند. روزنامه ها به خیابان آمد و خلق این تیتراژ ناقص را کامل کرد، شاه در رفت! و آنگاه روزنامه هائی که تیتراژ آنها بدست توده کامل شده بود، بز دستها برقص در آمد. موج شادمانی شهرها را فراگرفت، همه جا تعطیل شد. مردمی که تسلا صبح همان روز دسته دسته در خیابانها بدست درخشان شاه شیرازان میشدند، به رقص درآمدند. نقل و گو و شیرینی دست به دست پخش شد. در عوفای شادمانی مردم، شعار تازه ای مولود شد که بسیاری خلق را نشان میداد. از همان لحظه گریز جلاذ بزرگ، مرحله بعدی انقلاب را تدارک می دید.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به کدام سو خواهد رفت؟

تعمیق انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به رهبری امام خمینی در طول چهار سالی که از عمر آن می گذرد، هر روز بیشتر به جدائی "خط" ها از هم و تمیز مرز بین انقلابی و ضد انقلابی لنجامیده است. امروز دیگر خیلی از آنهایی که یک روزی در جرگه انقلابیون وارد شده بودند، در سنگر ضد انقلاب عیان و نهان قرار گرفته اند. این روند هنوز به پایان محتوم خود نرسیده است. هنوز باید عناصر و نظرگاه ها و اهداف دیگری هم از درون جرگه انقلابیون واقعی خارج شوند، تا انقلاب بتواند راه نهائی خود را بیابد و اهدا. ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را، که "استقلال آزادی و عدالت اجتماعی" است، به طور یاز - گشت ناپذیر تحقق بخشد.

برای پیروزی نهائی خط امام بر خط راستگرا که در تمام ارگانها و نهاد های انقلابی - قانونگذاری - قوه مجریه - اقتصاد - و قضا نفوذ کرده است، فرمان ۸ ماده ای امام خمینی حربه برنده های می تواند باشد، اگر در عصره عمل، که به نظر حزب توده ایران میسران آن است، قاطعانه به کار گرفته شود و به قول آیت الله جنتی "دانه های درشت" را فرا گیرد.

پنج هفته پس از صدور این فرمان، اما نمی توان از آن صحبت کرد، که آنچه هدف ایسن فرمان تاریخی امام بوده است، تحقق یافته است. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ دیماه ۶۱ در مقاله ای، که در صدای جمهوری اسلامی ایران قرائت شد، درست به علت این که "دانه های درشت" دست نخورده باقی مانده اند، مسی نالد و تهدید می کند، که اگر بنده دست این "دانه های درشت" زده نشود و این عناصر افشا و به مردم معرفی نشوند، روزنامه جمهوری اسلامی خود راسا اقدام خواهد کرد و ایسن عناصر را معرفی خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۴

ترکیه عضو پیمان تجاوزی نظامی ناتو و چو بدست کودتائی امپریالیسم آمریکا، یا کشور همسایه و مسلمان و دوست جمهوری اسلامی ایران؟

به ۶۲ تن می رسد در محاکمات اخیر، ۱۰۰ تن از متخصمین استنبوی تحقیقاتی "دیسک" به مرگ محکوم شد. در بین متهمین شخصیت های سرشناس از جمله سناتور اسبق و عضو کمیته وحدت ملی، احمد یلماز و نماینده مهند سین و فعال های ترکیه، تئومن اوستورک دیده می شوند. حکومت نظامی ترکیه حتی از انسانهایی که در راه صلح مبارزه می کنند نیز چشم پوشی نمی کند و با آنان همانند قاتلین رفتار می کند. برای جرم دفاع از صلح، مجازات ۳۰ سال زندان تعیین شده است. در حال حاضر اعضای کمیته صلح ترکیه در مقابل دادگاه نظامی قرار دارند. برای آنان مجازات های سنگین تا ۳۰ سال زندان در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر سازمان امنیت ترکیه اخیراً انتشار و توزیع ۲۱۰ کتاب مختلف را ممنوع کرده بقیه در صفحه ۳

نظری گذرا بر اوضاع داخلی ترکیه کودتاز بعد از گذشت تقریباً ۲۷ ماه از حکومت ترس و وحشت، خونناهی نظامی ترکیه را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده است. در طی این مدت بیش از ۱۷۰۰۰ نفر در سیاهچالهای حکومت نظامی کودتاچیان زندانی شده اند. طبق آمار رسمی تعداد زندانیان در ترکیه هم اکنون به بیش از ۷۷۲۰۰ تن می رسد که ۵۱۰۰۰ تن آنان بعلل سیاسی دستگیر شده اند. این حقیقت که از هر ۲۴۰ تن از افراد بالغ ترکیه یک نفر به دلایل سیاسی زندانی است، وسعت سیل این دست گیرها را بیشتر آشکار می سازد. تا کنون بیش از ۸۰۰ تن بوسیله شکنجه، اعدام و اصابت گلوله به قتل رسیده اند. صدها تن به خارج تبعید شده اند و یا اینکه از آنها سلب ملیت شده است. از شروع حکومت کودتا تا ۲۵ شهریور ۱۳۶۱ تعداد قربانیان تنها در اتحادیه سندیکاهای کارگری ترکیه "دیسک"

شورای نگهبان

بقیه از صفحه ۱
اقتصاد کشاورزی را فراهم سازد . اما مناسبانه این ضرورت اساسی انقلاب تا بحال تحقق نیافته است . نزدیک به چهار سال است که پیسزرگی مالکین و آنبائیکه به بهانه های " شرعی " از منافع آنها دفاع می کنند ، با جنگ و دندان می کوشند از هر گونه اقدام جهت ضربه وارد آوردن به این پایگاه مهم ضد انقلاب جلوگیری کنند ، و تا بحال موفق نیز بوده اند .

اما ساله تنها به اینجا حتم نمی شود . در اینجا سخن از شورای نگهبان ، یعنی ارگانتسی است که باید حافظ و پاسدار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بصراحت بر جهت گیری نظام اقتصادی - اجتماعی کشور ما پیسود محررمین و مستضعفین تاکید دارد . ششورای نگهبان باید مراقب باشد تا مبادا قانونی که نافی این جهت گیری است از تصویب بگذرد . اما با کمال تأسف می بینیم که اینطور نیست . اکثریت فقهای شورای نگهبان چندی پیش نیز از قبل آقا مهدوی کنی بصراحت قانون اساسی را به زیر علامت سوال برده بودند ، اما این بار آنها با رد قانون احیاء و واگذاری اراضی مزروعی ، یعنی قانونی که بگفته آقای عباس شیبانی نمایش داده مجلس شورای اسلامی " تحت نظر مستقیم ولایت فقیه " تهیه شده است ، در حقیقت ثابت کردند که جدا مخالف اجرای قانون اساسی و مخالف حفظ بر دمی و جهت گیری ضد سرمایه داری ضد بزرگ مالکی است ، که امام خمینی آنقدر بمر آن تاکید دارد .

اکثریت فقهای شورای نگهبان در استدلال خرد در رد قانون مصوبه به مجلس شورای اسلام ذکر کرده اند که گویا فرمان امام خمینی دایر بر

دادن اختیار تشخیص ضرورت به اکثریت مجلس شورای اسلامی ، شامل این مورد نمی گردد . به این ترتیب نه تنها اعتبار و صلاحیت مجلس ، بلکه مقام و شان رهبر انقلاب را نیز ، زیر علامت سوال برده اند . آیا شورای نگهبان قصد دارد فرمان امام خمینی را منسوخ کرده و به " شیر بی یال و دم اشکم " تبدیل کند ؟

گو اینکه اکثریت فقهای شورای نگهبان در استدلال خود بسیار بر وجه شرعی قضیه تکیه کرده و آنرا دلیل مخالفت خود با قانون مذکور دانسته اند ، اما از آنجا که در گذشته نیز بوضوح ثابت شده است ، که آن " موازین شرعی " که شورای نگهبان بر آن تکیه می کند همانی نیست که مد نظر امام خمینی ، آیت الله منتظری ، آیت الله شهید بهشتی ، آیت الله مشکینی و سایر پیروان راستین امام خمینی است ، بنظر میرسد که علت اصلی رد قانون اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان ، نگرانی اکثریت این شورا از به خطر افتادن بزرگ مالکان عارتگر باشد ، و این عملاً چیزی نیست جز مخالفت صریح با برآوردن انتظار بر حق میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی ، و در نهایت جدا کردن آنها از انقلاب و حاکمیت انقلابی .

براستی چه کسانی خواهان آنند که توده های مردم ، که بتصریح امام خمینی و همسره دولت مردان طراز اول خط امامی ، بهترین تکیه گاه جمهوری اسلامی ایران هستند ، از انقلاب مأیوس شوند و این شور و فداکاری انقلابی که در مردم هست به سرخوردگی و ناامیدی بدل شود ؟ چه کسی می خواهد بزرگ مالکان همچنان به عسارت و چپاول دهقانان زحمتکش ادامه دهند و از سوی دیگر نقش منبع مهم تغذیه و حامی ضد انقلابیون در گوشه و کنار کشور را ایفا کنند ؟ آیا جز این است که جلوگیری از تصویب و اجسرای قوانینی نظیر قانون احیاء و واگذاری اراضی

مزروعی ، که با همه ایراداتی که داشت ، می توانست زمینه قانونی شکستی کمر بزرگ مالکی را تشکیل دهد ، در حقیقت همکاری و همدستی آشکار با نیروهای نیست ، که بدستور دشمنان انقلاب و در رأس آنها آمریکا ، می خواهند جمهوری اسلامی را از پایگاه توده های آن ، یعنی محرومان و از جمله دهقانان زحمتکش جدا کنند ؟

وقت آن رسیده است که پیروان راستین خط امام که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در دست دارند با تکیه بر قانون اساسی ، ره نمود های صحیح امام و پشتیبانی توده های میلیونی و نیروهای انقلابی ، برای همیشه امکان چنین کارشکنی هایی را از بین ببرند . ما در هفته گذشته متأسفانه شاهد بودیم که جریان راستگرای مخالف خط امام بسیار زیاده و هشیارانه تر از پیروان اضییل امام خمینی عمل می کند . هم اکنون ، بعد از این اقدام شورای نگهبان ، روشن می شود که برخی موضوعی ها و اظهارات در هفته گذشته (از جمله آنچه از سوی آقای حزقی ، عضو فقهای شورا نگهبان در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعیه تهران در حمله به " مخالفین شورای نگهبان " عنوان گشت) چه هدفی را دنبال می کرده و بر چه چه چیزی را می چیده است ؟

شواهد فوق نشان می دهد که راستگرایان با برنامه و آمادگی سیاسی - تبلیغاتی عمل می کنند ، که خود دلیلی بر این است که آنها یک " جناح " و " گروه " مشخص خود بوجود آورده اند . اینک وقت آن رسیده است که مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی در حالتی جمهوری اسلامی ایران نیز قاطعانه و همدیارانه ایسین مقاومت مدافعین کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی را در هم شکنند . زیرا بقول آقای موسسوی اردبیلی : " امروز ، همین امروز ، فردا در است ، این لحظه ، همین این لحظه ، لحظه بعد دیگر است " باید بفر محرومان بود .

سوره : نشان افتخار برای اتحادیه های کارگری

بقیه از صفحه ۵
در مرکز توجه قرار خواهند گرفت . متفقا تأکید شد که شرکت زنان در زندگی سند یگانی باید گسترش یابد . از پیش از ۲۶۵۰۰۰ عضو سند یگاها فقط ۸۰ درصد آنها یعنی ۳۰۰۰۰ نفر زن هستند در رهبری سازمانهای سند یگانی نیز نمایندگان زن زیاد نیستند .

اتحادیه های کارگری افزایش امر تشکل و سازماندهی زحمتکشان سوره را خصوصاً در بخش خصوصی یعنی جایی که فقط ۳۰ درصد کارگران آن عضو سند یگاها هستند ، یکی از مهمترین وظایف خود میدانند . این مسئله برای بکرسی نشاندن قانون کار ، بیمه های اجتماعی و مراعات حقوق کارگران از اهمیت زیادی برخوردار است .

متأسفانه هنوز در یک سری از محیطهای کار بخش خصوصی ، اراده کارفرمایان حاکم است . باید با تشکیل کمیته های سند یگانی در بخشهای خصوصی حق رای زحمتکشان در مورد دستمزدها ، استخدام و اخراج و حفظ کار و غیره در نظر گرفته شود . اتحادیه عمومی سند یگای کارگری سوره به بهبود وضع اجتماعی کارگران و کارمندان اهمیت والایی میدهد . باید از تعاونیه های خانه سازی برای

راهنمای بخت ، چندین استراحتگاه دیگر خصوصاً

در سواحل دریای میانه برای زحمتکشان ساخته شود .

در سالهای اخیر کوششهای زیادی از طرف اتحادیه عمومی سند یگاها برای احداث کود کستانها و شیر خوارگاهها برای فرزند ان زنان زحمتکش به عمل آمده است . اما کمبود این اماکن خود عاملی است که هنوز بسیاری از زنان از روند کار و تولید بدور مانده اند . برای تحقق امر احداث شیرخوارگاهها و کود کستانها ، اتحادیه عمومی سند یگاها بطور تنگاتنگ با سایر سازمانهای توده های از جمله تشکیلات زنان همکاری میبایند .

اتحادیه عمومی سند یگای کارگری سوره یکی دیگر از وظایف مهم خود را بر طرف کردن بیسوادی و فراهم نمودن امکانات آموزشی برای زحمتکشان می داند . در این رابطه اتحادیه عمومی سند یگاها به موفقیتهای چشمگیری نائل شده است از جمله : نزدیک به ۷۵۰۰ عضو سند یگاها در چهار سال اخیر دوره سواد آموزی را با موفقیت به اتمام رسانده اند در انستیتیوی مرکزی سند یگاها در دمشق ۲۲۰ کادر رهبری و دوره های آموزشی را به پایان برده اند . ۷۰۰۰ عضو سند یگاها از سال ۱۹۷۸ تا کنون در مدارس سند یگاها آموزش دیده اند .

کارگران حمایت زیادی بینند . برای پنجمین برنامه ۵ ساله ، ۱۵۰ میلیون پوند سوری برای ساختن خانه های کارگری در حوالی مجتمع های بزرگ صنعتی در اختیار این تعاونیه ها قرار گرفته است . این امر کمک بزرگی به خانواده های کارگران برای بهبود محیط زندگی نموده و از راه درازی که کارگران باید تا رسیدن به محل کار طی کنند ، جلوگیری مینماید .

در حال حاضر در جمهوری عربی سوره ۸۰ تعاونیه خانه سازی برای کارگران وجود دارند ، که بسیار حمایت اتحادیه عمومی سند یگاها و وامهای بزرگ برای کسانی که دارای درآمد کم یا متوسط هستند خانه میسازند .

رسیدگی به وضع بهداشت زحمتکشان هم از وظایف مرکزی اتحادیه عمومی سند یگاها ارزیابی شده است . اتحادیه تصمیم گرفت در سالهای آتی در اکثر نقاط کشور پلی کلینیکهای بیشتری ساخته و کارگران و کارمندان را بطور مرتب تحت معاینه پزشکی قرار دهند .

برای سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ از بودجه دولتی ۱۲ میلیون پوند سوری برای امکانات تفریحی و استراحتی کارگران در نظر گرفته شده است . قرار است در کنار استراحتگاه مرکزی کارگران واقع در

بازی دو جانبه خطرناک

همزمان با کنفرانس سران ناتو در دسامبر سال ۱۹۸۲ که طی آن می‌بایست استراتژی ایالات متحده آمریکا از طرف شرکت کنندگان مؤثر پشتیبانی کامل قرار گیرد، روزنامه انگلیسی "گاردین" مقاله افشاگرانه‌ای به چاپ رسانده است. این نشریه تفسیر سران ناتو را "هیاری آتلانتیکی" توضیح داده و از جمله می‌نویسد: "واین برگر رئیس پنتاگون در یک دستورالعمل فوق العاده محرمانه به رؤسای نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در اروپای غربی خواستار آمادگی این مسئله شده است که این نیروها در صورت لزوم بتوانند در کوتاهترین مدت از محل استقرار فعلی خود واقع در اشتوتگارت آلمان فدرال به محلی بنام "های ویکامپ" در حوالی لندون منتقل شوند، تا بتوانند جزئی از "سیستم دستم و کنترل" سالم باقی مانده از یک جنگ هسته‌ای باشند."

راستی کدام دستورات باید از آنجا صادر شوند؟ آیا این گام پنتاگون هم دقیقاً در چارچوب استراتژی ایالات متحده آمریکا برای ایجاد جنگ محدود هسته‌ای در قاره اروپا صورت نمی‌گیرد؟ همانطور که روزنامه‌های یورژواری بزرگ غرب مثل "فرانکفورتر آلگماینه" چاپ آلمان فدرال هم اعتراف کرده‌اند: "ایالات متحده آمریکا این هدف را دنبال میکند که در صورت بروز یک تشنج یا درگیری بتواند هدایت و هماهنگ کردن عملیات نظامی و اصولاً کنترل اوضاع عمومی را از شمال تا جنوب اروپا و فراتر از مرزهای ناتو تا قلب آسیای میانه بعهده بگیرد. ارگان مسئول این سیستم کنترل و هدایت هم باید در اصل رئیس قسوی نظامی مستقر در اروپای غربی ایالات متحده آمریکا باشد."

ژنرال آمریکایی راجرز، تغییر مکان در نظر گرفته شده نیروهای خود به مجلسی که از "استحکام و امنیت" زیرزمینی بیشتری برخوردار است را به گفته همین روزنامه خصوصاً در رابطه با "یک جنگ احتمالی هسته‌ای با اهمیت تعیین کننده"، اقدامی "ضروری" و "هوشمندانه" خوانده است. ژنرال راجرز که بخاطر ساختار پرسنل ناتو در عین حال رئیس این پیمان نیز می‌باشد، در همین رابطه یکبار دیگر هرگونه انصراف از "ضربه اول امنی" توسط ناتو را رد کرد و گفت: "ما باید امکان استفاده از ضربه اول امنی را در کنار سایر امکانات حفظ کنیم. ما در عین حال باید طیف متعارف و کارسازی از سلاحهای هسته‌ای ام از موشکهای کوتاه برد تا سلاحهای استراتژیک آماده نگاه داریم. وی نقل مکان مقر نظامی ایالات متحده از آلمان فدرال به انگلستان را از این نظر "ضروری" و "هوشمندانه" خواند، زیرا که به گفته او وضع اشتوتگارت در صورت آغاز یک درگیری امنی "خیم" خواهد بود. واضح است که ایالات متحده آمریکا میخواهد برای این "جنگ محدود هسته‌ای" خود پای سرزمینها، قوای نظامی و مردم تسار

اروپا را بمان بکشد، اما خود ژنرال آمریکایی در راس ناتو و همراه نزدیکترین همکارانش می‌بایست در فاصله نسبتاً امنی از صحنه درگیری "قابل بقا" بمانند.

این بازی دوگانه واشنگتن یک وجه مرکب‌ساز دیگر خود را نیز در تکذیب پنتاگون نسبت به گزارش "گاردین" به نمایش می‌گذارد. پنتاگون با موضعگیری خود و غیر دقیق خواندن این گزارش روزنامه انگلیسی اعلام نمود که مطالب نقل شده‌ای دولت ریگان قرار است "یک سری" از چنین مقرهای "قابل بقا" برای رهبران نظامی آمریکا در اروپا ساخته شود.

(خود را کنار بکش و جانت را حفظ کن!)
بعد از گریزها و مانورهای انحرافی اولیه، اکنون در دلتهای اروپایی عضو ناتو در اعتماد

نسبت به "متحد آنسوی اقیانوس" تردید بزرگی حاصل شده است.

در برنامه فعلی پنتاگون برای استقرار موشکهای "پرشینگ ۲" سه برابر رقم قید شده در تصویبنامه سال ۱۹۷۹، منظور شده است. تنها تا سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا ۲۰۰ کلاهک امنی برای این موشکها ساخته خواهد شد. چه کسی میتواند تضمین کند که ایالات متحده تا آن زمان در کشورهای اروپایی عضو ناتو سیستمهای جدید تسلیحاتی خود مانند بمب نوترونی و یا سلاحهای شیمیایی دو مرحله‌ای را مستقر نخواهد کرد. افشاگرهای تازه برنامه‌های استراتژیک واشنگتن یکبار دیگر نشان میدهند که مقابله با این سیاست تنش‌فزایی دیوانه‌وار کاپیته ریگان تا چه اندازه دشوار است. این مراکز هدایت جنگ محدود هسته‌ای نیستند که قاره اروپا را قایل بقا میکنند، بلکه تنها راه نجات این قاره مبارزات متحد و مشترک حلقهای آن علیه برنامه‌های امپریالیسم و برای جلوگیری از فاجعه امنی است.



پنتاگون می‌کوشد علیرغم جنبش عظیم صلح در اروپا در سال جاری طبق تصویبنامه ناتو در سال ۱۹۷۹ ۱۰۸ موشک پرشینگ ۲ و ۴۶ موشک کروز در اروپای غربی مستقر کند.

ترکیه عضو پیمان تجاوزی

بقیه از صفحه ۱

است. طبق اطلاع‌خبرگزارها تعداد زیادی از کتب اسلامی و کتب دیگر از کتابفروشیها در سراسر کشور جمع‌آوری خواهد شد. نمایش "انتخابات" و "رای به قانون اساسی جدید" نیز از انزوای حکومت نظامی کودتاچیان امریکازده جلوه‌گیری نخواهد کرد. در حالیکه ژنرالها شرکت بیش از یک میلیون تن از افراد واجد شرایط را ممنوع کرده بودند و کارگران ترک مقیم خارج از کشور نیز حق رای نداشتند و

علاوه بر آن اوراق رای "آری" و "نه" رنکی بودند، به نحوی که در موقع انداختن آنها به صندوق نظر رای‌دهنده معلوم می‌شد، عده زیادی به این "قانون اساسی" "نه" گفتند. بعد از اتمام انتخابات موج جدیدی از دست‌گیری افرادی که به قانون اساسی رای "نه" داده بودند، آغاز شد. هشدار! که خلقهای آزاد و صلح‌دوست حق دارند از همین انقلابی ما سوال کنند: "بگود وستت کیست تا بگویم کیستی!" این سوال از آنان که به دنبال "روابط مودت آمیز" با کودتاچیان ترکی و پاکستانی می‌گردند نیز سوالی است بجا.

کارگران انقلابی سیلی محکمی به صورت بنی صدر نواختند

ایرانی بازسازی شده و اتمام آن را به هر کشوری که استقلال ما را نقض کند، محول نمایم. طبعاً برنامه ریزی بیرون مسایل فوق ضرورت تام داشته و ما کارگران مسلمان و متعهد این می مجتمع وظائف خود را با همکاری مدیریت اسلام و انقلابی شرکت انجام خواهیم داد.

با توجه به تجربه مثبتی که در زمینه بازسازی کارخانه ها و پروژه های نیمه تمام و بالا بردن سطح و کیفیت تولید توسط کارگران متخصصین ایرانی در سالهای اخیر حاصل شده است و آقای موسوی نخست وزیر نیز آنرا تأیید کرده اند، باید در پشتیبانی از این نامشسته کارگران خواستار اجرای این پیشنهاد شد. و بدان کسرم خورده امپریالیسم ژاپن را، کسسه به گفته حجت الاسلام رهنجانی اجناس را به ما به ارزشی فرود شد، ولی نفت مورد نیاز خود را با ارزش مازنستان سعودی می خرد، کند و دور انداخت.

۴ سال از پیروزی انقلاب گذشته است و نمسی توان، به قول حجت الاسلام رهنجانی، به مردم پس از ده سال بگویم: سعد نیستیم و آب هدر رفت!

خواهد بسرید! خوشبختانه زحمتکشان ایران با شم طبقاتی و انقلابی خود به این کوره راه ها قدم نمسی گذارند. و چون کارگران، بنا به گفته امام خمینی "ستون انقلاب اند"، باید به آینده انقلاب خوشبین بود.

اکنون توجه کنید، که کارگران چه سیلی داغی بر صورت بنی صدر ها نواختند!

کارگرانی که در مجتمع پتروشیمی ایران - زاگرس کار می کنند، در نامه ای (اطلاعات ۴ دیماه ۱۳۶۱) از جمله می نویسند:

"نقش مهم پتروشیمی در اقتصاد ایران از کارخانجاتی که نقش مهمی در زیربنای اقتصادی ما دارد، کارخانه "پتروشیمی ایران - ژاپن" می باشد که هم اکنون بیش از هشتاد درصد از پروژه آن به اتمام رسیده و مابقی در اثر تحریم اقتصادی امپریالیست های جهانی و بسته دنباله روی از سیاست آنها، انحصارات ژاپنی، تکاکن با سپاه ترافی غالی، در روز اتمام این پروژه را بیشتر به تاخیر می اندازد.

ما کارگران زیر پوشش، بر این اعتقاد هستیم که این پروژه هرچه زودتر توسط نیروهای متخصص

یک زمانی بنی صدر کوشش می کرد، کسسه امپریالیسم از در رانده شده امریکا را، به کسک امپریالیست های "کولسو" و "مامانی" ژاپنی و اروپای غربی از طریق پنجره به ایران باز کرد اند و از آن صحبت می کرد:

در دید ژاپن و اروپا باید بگویم که ابر قدرت ها عرصه را بر آن ها تنگ کرده اند. ما یک زمینه مشترک با ژاپن داریم و آن این است که آن ها نیز مانند ما زیر شهید ابر قدرت ها ند هستند. آن ها به منابع انرژی ما احتیاج دار و ما به تکنولوژی آن ها.

مناسفانه چنین نظریاتی را بعضی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران این روزها هم بیان نمسی کنند. عده ای هم دست از این بر نمی دارند، که هرطور شده امپریالیسم ژاپن را ستفاده سازند، که علیه منافع خود و برادر و آریاب بزرگش، امپریالیسم امریکا، با جمهوری اسلامی ایران، نوعی "روابط مودت آمیز" برقرار سازد و کمک به رشد اقتصادی آن هم اقتصاد پایهای پتروشیمی ایران کند!

این نصیحت کنندگان امپریالیسم ژاپن تصور نمسی کنند، که اگر به اندازه گامی گفته و تکرار شود، آن وقت گویا "جاسقو دسته خودش را

چه کسانی می طلبد: "جراع سبز خاموش کنید" بقیه از صفحه ۷

اتحاد شوروی و نه کشورهای دیگر سوسیالیستی، به شهادت مطالب رادیوهای آنها و نوشته های مطبوعاتشان، تغییری نداده اند و همان طور که رفیق لیانوری هم بیان کرده است، با توجه به سه بعد عظیم ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ما، تا زمانی که این بعد حفظ شود، اتحاد شوروی در سیاست پشتیبانی خود از این انقلاب تغییری نخواهد داد.

اما اکنون این سوال مطرح است، که چه کسانی از اتحاد شوروی می طلبد که او "جراع سبزی" را که گویا روشن کرده است "خاموش کند"؟

آنها که شوروی و دیگر نیروهای ترفیخواه جهان را حداقل "دشمن دشمن" خود می دانند؟ و یا آنها که همانند یک بچه لجباز به خود همه نوع "لگد پزنی" را حق می دهند، مغرورانه فقط نظریات خود را ختم کلام اعلام می کنند، اما انتظار شنیدن "بالای چشم ابرواست" را هم ندارند؟

ایا وقت آن نرسیده است، که "چشم اسفند یار" سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از گردن القادات امپریالیستی و تیر زهر آلود آن درمان کنیم؟

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما به کدام سو خواهد رفت؟ بقیه از صفحه ۱

حق قانونی آزادی بیان و مطبوعات، حقوق فعالیت سیاسی دگراندیشان مدافع انقلاب را، به ویژه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تحقیق بخشد.

باید از نیروی لایزال خلق، همانند روزهای تسخیر لانه جاسوسی امریکا، برای اجرای قاطع و پیگیر فرمان امام مدد گرفت!

فقط به کمک این نیرو است که می توان تحقیق انقلاب و جهت گیری ضد امپریالیستی و خلقی آن را تضمین کرد.

این مقاله روزنامه جمهوری اسلامی بیان خطر بسیار جدی مسخ فرمان امام است! یعنی خطر آن که این فرمان نتواند با تجهیز نیروی خلقی ایثارگر و آماده کمک به اجرای فرمان امام در مرحله فعلی "نبرد کس سرکه" "دانه های درشت" را خنثی سازد و نتواند از این طریق قانون و حق را حاکم سازد، نتواند "تروزیست های اقتصادی" را از مواضع حساس اقتصادی دور سازد، نتواند آزادی را، که بخش جدانشدنی شعار بزرگ انقلاب است، تحقق بخشد، نتواند



انقلاب مردم میهن ما به کدام سو خواهد رفت؟

آفریقای جنوبی: مقاومت فراینده در مقابل رژیم آپارتاید

اخبار رسیده از جنوب قاره آفریقا تقریباً همه روزه حلوه‌ها و نمونه‌های تازه‌ای از درنده خوئی رژیم تبعیض نژادی را بنمایش می‌دهد. این سیاست نژاد پرستان آفریقای جنوبی عنصر مهمی از سیاست فوق تسلیماتی و تشریفاتی تعقیب شده از طرف هارترین محافل امپریالیستی، برای تخریب تناسب قوا در منطقه و عرصه جهانی است. رژیم بوسوا با انابه اشغال نامیبیا که مغایر حقوق خلقهاست با حمایت باند های ضد انقلابی در جمهوری خلق موزامبیک، با تجاوز مداوم به جمهوری خلق انگولا، با ارسال مزدور به جمهوری سیشل و با تازه ترین حلقه این زنجیر یعنی تجاوز در دمنشان به پایتخت لسوتو، هدف بی ثبات کردن کشورهای آفریقای سی متحد یا سوسیالیسم واقعا موجود، از بین بردن استقلال ملی کشورهای از بند رسته و تابودی یا تضعیف جنبشهای آزاد بیختر این منطقه را دنبال میکنند.

واقعیت دیگری نیز هست و آن اینکه رژیم نژاد پرست پرتوریا از اهداف مورد نظر خود بیشتر ورسند است. شهروندان آفریقای جنوبی هر روز بیشتر

به این موضوع پی میبرند، نه تنها راه رها سازی ار تبعیض، استثمار و فقر، اقدامات فعال علیه رژیم است.

جوانان کشور نیز بطور روز افزون به گنگره ملیسی آفریقا یعنی ای. ان. سی. (ANC) جلب میشوند، یعنی همان سازمانی که از دیرباز در رأس مبارزه برای رهایی آفریقای جنوبی قرار دارد. وقتیکه در ماه ژوئن ۱۹۷۱ پیام سووتو از طرف نژاد پرستان در خون و اشک غرق شد، وسائسل ارتباط جمعی عرب حدس میزدند که روح مبارزه جوانان آفریقای جنوبی در هم شکسته و یا حداقل برای مدتی طولانی فرو نرفته است اما واقعیت این حدسیات را خیلی زود به رویا بدل کرد. تجربه سووتو جوانان مبارز ای. ان. سی را مصمتر نمود و این واقعیت بیشتر از هر چیز چه خود را در عملیات مسلحانه موفقیت آمیز و متهورانه این جوانان علیه نهادهای سرکوب و تسلط سیستم موجود مانند پاسگاههای پلیس، بانکها، مراکز ارتباطی و اقتصادی، پادگانهای نظامی و ترابری نمایان میسازد.



هر قدر موقعیتهای میهن دستان بزرگتر میشود، عکس العمل نژاد پرستان غضبناکتر و وحشیانه تر میشود. این موضوع را محلومیتهای اعدام بنیاد لاه - های ارباب رژیم بوتا در مورد "آنتونی تسوتسو" سبه و یوهانس شایانکو، دو یوید موس، جری موز ولوی سیمون موکوران، هارکوس موتانگ، اثبات میکنند. تنها جرم این شش جوان مبارز ای. ان. سی اینست که آنها در صفوف شاخه نظامی لشکر ملی آفریقا بنام "پیگان خلق" که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شده است، برای حقوق قانونی خود علیه یک سیستم جابر و غیر انسانی مبارزه مسلحانه میکنند. میهن دستان آفریقای جنوبی در مبارزه حقوق طلبانه خود نیازمند همبستگی همه نیروهای مترقی جهانند. ما همراه با میلیونها انسان در بیشتر سرتاسر جهان خواهان لغو احکام اعدام و آزادی فوری همه میهن دستان آفریقای جنوبی که در بند نژاد پرستان قرار دارند، هستیم.

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برای اینکه بتواند نقش خود را بعنوان پایگاه و تکیه پیکان امپریالیسم استثمار و نظامیگری (رهبران پتانلون این کشور را بعنوان پایگاه استقرار موشکهای بالدار در نظر گرفته اند)، و همچنین بعنوان منبع سود روزی انحصار تهای امپریالیستی، بصورت لخواه و بطور د راز بدات ایفا کند، به گفته "مخمسین عربی قبل از هر چیز محتاج حداثر ثبات داخلی است. رژیم پرتوریا برای رسیدن به چنین ثبات داخلی د و راه انتخاب نموده است: یعنی بزرگ کردن ظاهری سیستم آپارتاید یا توسل به اقدامات بی اهمیت که مضمون این سیستم را دست نخورده باقی میگذارد و در عین حال در انظار عمومی جهان ۲۵ میلیارد سیاهیوست این کشور این توهم را بوجود میآورد که مسئله تبعیض نژادی کام به کام در راه حسل شدن است و دیگر اینکه رژیم آپارتاید یا توسل به خشن ترین شیوههای سرکوب و ترور خواهان در هم شگستن مقاومت فعال همه انسانی است، که بسا سلطه اقلیت سفید پوست این کشور مقابله میکنند. اما گزارشات واصله از آفریقای جنوبی حاکی است از

سوریه: نشان افتخار برای اتحادیه های کارگری

با انتخاب ۵۱ نفر اعضای هیئت اجرایی و شورای مرکزی، اخیراً بیستین کنگره اتحادیه عمومی سند یکه های کارگری سوریه در دمشق پایتخت این کشور پایان رسیده. این کنگره و انتخابات آن در سطوح پایین تک تک سازمانهای سند یگاهی، فصل والائی در زندگی بیشتر از ۳۶۵۰۰۰ اعضای سازمانهای سند یگاهی جمهوری عربی سوریه گشودند. حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مراسم گشایش کنگره، در مقابل بیشتر از ۳۰۰ نماینده، کارائی عظیم طبقه کارگر کشور را در همه زمینه های اجتماعی ستود. نقش اتحادیه عمومی سند یکاها در تقویت بنیسه اقتصادی کشور خصوصاً در بخش دولتی، در افزایش

تولید، در تعمیق دستاورد های مترقی و دفع نقشه های ارتجاع داخلی و خارجی، بیشتر از همه چیز مورد تقدیر قرار گرفت. حافظ اسد بخاطر قدر دانی از کارائی طبقه کارگر سوریه در سالهای اخیر، از طرف حزب سوسیالیستی عربی بعث سوریه عالیترین نشان دولتی (نشان اومایدن) را بیه اتحادیه عمومی سند یکه های کارگری اعطا کرد. روح کنگره بیستم سرشار از کوشش در راستای فعال کردن هر چه بیشتر جنبش سند یگاهی و تبدیل هر چه بیشتر آن به ابزار واقعی نمایندگی منافع طبقه کارگر برای احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی، بسا بردن سطح زندگی و بهبود وضع حتمشان، حفظ

د دستاورد های اجتماعی - اقتصادی در مقابل هر گونه دستبرد از داخل و خارج، شرکت دادن هر چه وسیعتر زنان در زندگی اجتماعی و افزایش نقش سند یکه های کارگری در دفاع از سرزمین پدری در مقابل نقشه های تجاوز اسرائیل بود. در کنار آن تحکیم اتحاد سند یکه های کارگری با حزب بعث و جنبه مترقی ملی مورد تاکید قرار گرفت. اتحادیه های کارگری خواهان آنند، که نیرومند تر از قبل در چارچوب شورای خلقی سوریه و پارلمان این کشور، در شکل دادن به سیاست اقتصادی و اجتماعی شرکت فعال داشته باشند. ادامه مناسبات مرکزیت د مکتبیک در همه زمینه ها، فعال کردن حدود ۴۰ سازمان آموزشی و تحقق پیگیر امر کنترل کارگران در محیطهای کار و نهادها، از دیگر کارهای مهم اتحادیه عمومی سند یکه ها است، که در سالهای آتی بقیه در صفحه ۲

چه کسانی می طلبند: "چراغ سبز را خاموش کنید"

سیاست شوروی ستیزی در میهن انقلابی ما اوج چشمگیری در ماهها و هفته های اخیر نشان می دهد .

بهبانه ها و دستاویزها ، همانند انگیزه های شوروی ستیزان رنگارنگ است : از "میک ۲۵" تا حوادث افغانستان ، از اوضاع لهستان تا حمله موشکی صدام متجاوز و جنایتکار به شهرس قهرمان پرور و حماسه ساز دزفول .

آنچه که شوروی ستیزان حرفهای و "سیاست بازانی از قماش قطب زاده و قطب زاده های پسند شناخته نشده در این میانه می گویند و می نوب روشن است ، آنها وظیفه خود را انجام می دهند و "نان" خود را می خورند . پاسخ به آنها به اندازه کافی و بالحن شایسته داده شده است .

روی سخن با آنهایی است ، که با مسئولیت در مقابل انقلاب ضد امپریالیستی و خلفی میهن ما ، به محتوای جنایتکارانه دستور برژینسکی علیه انقلاب ما پی برده اند و یا مایلند پی ببرند ، آنهایی که بیان امام خمینی را آویزه گوش کرده اند که ما را از کید های امپریالیسم امریکا ، که با ما تا ۵۰ سال دیگر هم سرچنگ دارد ، بیس حذر می دارند .

روی سخن با آنهایی است که با شم سیاسی خود و با درک روشن و عقلانی خود و با تجربه خود و خلقهای انقلابی دیگر به این واقعیت پی برده اند و می خواهند پی ببرند ، که سیاست کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی در برخورد و پشتیبانی از نبرد آزادپخش خلقها ، در مقابل انقلابات ضد امپریالیستی ، یک سیاست اصولی و پایدار است .

نمونه های زیادی در تائید این واقعیت می توان برشمرد ، که طیف آنها از انقلاب کوبا تا ویتنام ، از انقلاب کشورهای آزاد شده آفریقای و آمریکای تا انقلاب میهن ما و خلق فلسطین می رسد .

این سیاست اصولی و پیکر کشورهای سوسیالیستی از تحلیل دقیق و همه جانبه روند انقلاب جهانی برای براندازی سرمایه داری و تحقق حق خلقها در تعیین سرنوشت خود و برخورداری از استقلال ، رشد و شکوفائی خلقها نشأت می گیرد .

کسانی اما پیدا می شوند ، که با آنکه هر روز با اخبار خرید اسلحه توسط عراق از فرانسه وینا دریافت کمک های نظامی توسط عراق از کشورهای دیگر امپریالیستی و نوکران آنها روبرو هستند ، خود را عاجز از درک سیاست اصولی اتحاد شوروی نشان می دهند و یا عمدا سیاست اصولی اتحاد شوروی را حاشا می کنند .

آنها می خواهند به خلق القا کنند ، که اتحاد شوروی با وجود احاطه کامل به اوضاع جهان و منطقه ، از جمله به اوضاع داخلی عراق ، گویا از این بی اطلاع است ، که صدام همانند خلفش سادات به دامن امپریالیسم افتاده است و لذا "میک ۲۵" ویا "موشک اسات" ، که گویا اتحاد شوروی به صدام داده است ، قبل از آن که به

دست ارتش صدام برسد ، در اختیار استراتژیهای نظامی و فنی امپریالیسم امریکا قرار خواهد گرفت و بیش از اینکه مورد استفاده ارتش متجاوز صدام قرار گیرد ، در خدمت کارکنان امپریالیستی از جمله اجرا کنندگان طرح برژینسکی ، در خواهد آمد .

کسانی که به چنین سخافتی از طرف اتحاد شوروی باور دارند و یا وانمود می کنند که باور دارند ، ازد و گروه تشکیل می شوند :

اول - آنها که دستور برژینسکی را اجراء می کنند ، که طالب ایجاد و تشدید "جوسو" ظن بین ایران و همسایگان ، به ویژه بین ج ۱۰۱ و اتحاد شوروی شده بود .

دوم - آنهایی که در جاله کنده شده توسط گروه اول می افتند . و با ارائه این چنین تصوراتی سطحی و کم عیار از سیاست اصولی اتحاد شوروی در تحلیل نهائی سند ناپختگی و بی تجربگی خود را ارائه می دهند .

اگر بی تجربگی گناه نیست ، بارها و بارها در جاله "فروش اسلحه شوروی به عراق" که توسط برژینسکی و اذناش کنده می شود ، افتادن ، و نیاموختن ، گناه کبیره است !

سردرگمی چگونه ایجاد می شود ؟

با افتادن مکرر در جاله برژینسکی ، انسان دچار تضاد می شود و تشبه به ریشه خود می زند . نمونه زنده این تناقض کوشی در مقاله روزنامه کیهان که در آن نکات مثبت جدی و تحلیل واقف بیانه ای از سیاست امپریالیسم در منطقه ارائه شده است ، دیده می شود (این مقاله روز ۲۲ دی از صدای ج ۱۰۱ پخش شد) .

در این مقاله نویسنده به درستی به تشدید خطر تجاوز مستقیم امپریالیستها به ایران ، که با ایجاد "مرکز فرماندهی سیاسی - نظامی" امپریالیسم در منطقه به مرحله نوبی قدم گذاشته است ، اشاره می کند . وی علائم این تشدید خطر را با جمله "فعل و انفعالات سیاسی - نظامی در منطقه خلیج فارس" ترسیم کرده و نقش جنایتکارانه و وظائف و مسئولیت های تازه "امپریالیسم فرانسوا در جوار امپریالیسم امریکا بر می شمرد . وی وزن "ملاقات... طارق عزیز با مسعود رجوی" را در این فعالیتها تعیین کرده و "موضع اخیر (خصمانه) دولت کویت (را) نسبت به انقلاب اسلامی در استراتژی کنونی امپریالیسم جهانی" افشاء می کند و نتیجه می گیرد که : "به نظر می رسد که امریکا طرح تازه ای در دست دارد که با کمک همه جریانات منطقه کار انقلاب اسلامی را یک سره کند..." .

البته این طرح جدید نیست ، این طرحی است که حزب ما آن را از مدتها پیش افشا کرده است و رفیق کیانوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران آنرا "توطئه نهم" امریکا نام نهاده است . تدارک این توطئه را ، که دنباله منطقی شکست رطبه های هشتگانه امپریالیسم امریکا است ،

امپریالیسم امریکا با نامه معروف برژینسکی به وئس آغاز کرده بود . و راه اجرای آن را نشان داده بود . برژینسکی در این نامه با صراحت نوشت :

رئیس جمهور هم چنین خاطرنشان ساخته است ، که لازم است جوسو ظن و عدم اعتمادی را کمین ایران و همسایگانی وجود دارد ، مورد بهره برداری قرار داد . رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی ، خصوصا توسط اتحاد جماهیر شوروی ، حتما به تصفیع مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد .

و "حجت الاسلام" موسوی ، رهبر مسلمانان امریکا " (لوس آنجلس تایمز) آنرا به عنوان سیاست زوده و شوروی ستیزی ترجمه و اجرای آن را توصیه کرد . (راه توده شماره ۱۷) و قطب زاده ها ، کشمیری ها و ووشناخته نشده ، با عمامه و بدون عمامه ، با ترمش و ریش نهی ، با تشبیه و بدون آن و با سرمایه حلال " و یا مالکیت " مشروع" به اجرای آن همت گماشتند .

برژینسکی و اذناش راستگرا و عمال نشناخته او می دانستند و می دانند ، که برای سرکوب انقلاب ایران و آماده ساختن شرایط تجاوز مستقیم امپریالیسم امریکا به ایران دو پیش شرط لازم است . اول - ناراضی کردن اقشار و طبقات مدافع انقلاب به ویژه زحمتکشان شهر و روستا ، روشنفکران ، زنان و دیگر اقشار ضد امپریالیستی و

دوم - "قطع پشتیبانی همسایگان ایران ، به ویژه اتحاد شوروی" و کوشش برای از بین بردن مرز های مطمئن و صلح آمیز بین ایران و اتحاد شوروی و افغانستان .

نویسنده مقاله روزنامه کیهان به روشنی نتایج این سیاست امپریالیستی را شناخته است و "طرح تازه" امپریالیسم امریکا را ، که می خواهد "با کمک همه جریانات منطقه کار انقلاب اسلامی رایک سره کند" افشاء می کند و تصریح می کند ، که این طرح هرچه باشد ، نمی تواند بدون چراغ سبزه همسایه شمالی ایران به مرحله اجرا درآید... .

وی سیاست شوروی ستیزی و ستیزی علیه جمهور دموکراتیک افغانستان و نیز عوامل متعدد دیگر (۱) را سیاست مستقل ایران ارزیابی می کند ، که باعث "ناکامی" اتحاد شوروی در "جلبب انقلاب اسلامی ایران... به بلوک شرق" شده است . به نظر نویسنده مقاله گویا در نتیجه این "ناکامی" است که اتحاد شوروی "سیاست خارجی ایران را به تعایلات غربی منتهم می کند" . وی سپس در تحلیل خود به اینجا می رسد ، که امپریالیسم امریکا از اتهامات شوروی به سیاست خارجی ج .

بقیه در صفحه ۷

(۱) امثال پاسخ وزارت امور خارجه ایران به نامه اعتراضیه وزارت امور خارجه اتحاد شوروی در مورد "تظاهرات" عناصری در مقابل سفارت شوروی در تهران و تهدید کارکنان آن و یا این که ایران همانند پاکستان کودتازده آماده مذاکره با دولت افغانستان برای عادی کردن روابط خود با آن نیست .

چه کسانی می طلبند: "چراغ سبز را خاموش کنید"

بقیه از صفحه ۶

۱۰۱۰ این نتیجه را گرفته است، که اتحاد شوروی "چراغ سبز" را برای سرنگونی ج ۱۰۱۰ روشن کرده است. وی در توضیح این تصور می نویسد: "۰۰۰ بنابراین از نقطه نظر آمریکا و مرتجعین منطقه ۰۰۰ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در منطقه و جهان منزوی شده و حتی از حمایت های جهانی شوروی محروم مانده است. (به عبارت دیگر برزیسکی به کمک دستیاران ایرانی خودش به هدف خود رسیده است) لذا برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی فرصت مناسبی پیش آمده است." وی مرحله جدید سیاست امپریالیستی را نشانه این تحلیل امپریالیسم می داند و می نویسد: "به همین دلیل می بینیم در سیاست آمریکا و فرانسه و مرتجعین منطقه نسبت به انقلاب اسلامی ایران تعرض آشکاری پیدا شده است."

در دنباله مقاله، نویسنده به نقش رژیم صدام در نزدیکی به اسرائیل، سیاست کشورهای "میانه روی" خاور نزدیک و موضع خیانت آمیز رهبری نجاهدین که "آماده هرگونه همکاری با این تلاشهای امپریالیستی و صهیونیستی است، می پردازد. وی سپس از "صنایع ۰۰۰ رهبران کرملین از سیاست مستقل نظام جمهوری اسلامی ایران" نتیجه می گیرد، که احتمالاً اتحاد شوروی "چشم خود را بر آنچه از سوی امپریالیسم جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران انجام می شود، خواهد بست. وی می نویسد "شوروی معتقد است که هر تحویل اجتماعی می بایست به تحکیم اردوگاه سوسیالیسم منجر شود، اگر جز این باشد، این تحول اجتماعی به درد نمی خورد." و چون در ایران چنین نشده است، لذا "اخیراً در لحن رهبران شوروی تغییری در برخورد به جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است."

وی مدعی است که این تغییر لحن (۱) به این علت است "که اگر خدای ناکرده از ناحیه امپریالیسم جهانی آسیبی به انقلاب و نظام ج ۱۰۱۰ برسد، کرملین خود را در این زمینه بی تقصیر بداند و بگوید ما به انقلاب اسلامی نصیحت کردیم ۰۰۰ اما این نصیحت ها با بی میلی رهبران ایران روبرو شد."

در خاتمه نویسنده بدو هر نوع برخورد انتقادی به سیاست شوروی ستیزی افعال شده از طرف عنا و نیروهای در ج ۱۰۱۰، که عواقب منحوس و برزیسکی شاد کن آن، به گفته خود نویسنده، در شرف تکوین است، از اتحاد شوروی می طلبد که اگر "برای خلقی از بند رسته ارزش قائل است" چراغ سبز خود را خاموش کند. "

"چشم اسفندیار" سیاست خارجی خود را حراست کنیم!

مشکل نویسنده مقاله روزنامه کیهان و همسره آنهایی که در چاله های برزیسکی می افتند، آن است که به خاطر پیشروی های خصمانه و زهر شوروی ستیزی تاریخی که به جانشان رفته، نمی بینند که پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ما، که از جمله با هشداد برزف در نوامبر ۱۹۷۹،

که طی آن امپریالیسم آمریکا را از دخالت در امور داخلی ایران برحذر داشت، برجسته شد، سپس از انقلاب نیز همچنان ادامه یافته است. اتحاد شوروی در افشای دسیسه ها و توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ما، در شکستن سیاست "محاصره اقتصادی" ایران، از جمله با فرار داد معروف ترانزیت که به قول وزیر ترابری ایران در مجلس شورای اسلامی "یک طرفه به نفع ایران است"، در کنار انقلاب ما قرار دارد. اکنون هم اتحاد شوروی با وجود تمام برخوردهای توهین آمیز عناصر دشمن و "دوستان نادان" انقلاب ما به آن، با متخصصین خود در نو و بازسازی پیش از صد پروژه اقتصادی به میهن ما کمک می کند. اتحاد شوروی برای این کمک ها، خود، به پیروی از سیاست احترام به حق حاکمیت و استقلال ایران، نه فقط شرطی را تعیین نکرده است، و نمی کند، بلکه از هر امکانی برای توسعه و گسترش همکاری ها به منظور بر طرف ساختن نیازهای ایران و بر مبنای سود متقابل یا فشاری می کند. اتحاد شوروی آمادگی خود را برای ارائه هر کمکی که ایران نیاز داشته باشد اعلام کرده است. اتحاد شوروی، همانند دیگر کشورهای سوسیالیستی آمادگی خود را اعلام کرده است که ضمن توسعه روابط اقتصادی با هر طرفین هر کالانی را که ایران عرضه کند بخرد و هر کالانی را که ایران احتیاج دارد، در اختیارش قرار دهد، حتی اگر خود تولید کننده کالا هم نباشد.

اتحاد شوروی بارها و اخیراً در اعلامیه خبرگزاری تاس (راه توده ۲۴ دی ۶۶) آمادگی خود را برای خروج "بخش های محدود سربازان" خود از افغانستان، همزمان با قطع مداخله مسلحانه خارجی در امور داخلی افغانستان، اعلام کرده است.

اما جمهوری اسلامی ایران به جای اعطای آرامی برای مذاکره و یافتن راه حل در این مورد، به همان راهی رفته است و در این اشتباه خود یا فشاری می کند، که مرتجع ترین و دست نشانده ترین عناصر منطقه قدم گذاشته اند و به امید واهی ایجاد "وینتام شوروی در افغانستان" با مداخله بی پرده در امور داخلی افغانستان، از ایجاد محیط آرام سیاسی برای حل مسئله جلوگیری می کنند. مداخله خارجی ای که در پاسخ وزارت امور خارجه ج ۱۰۱۰ به نامه اعتراضیه وزارت امور خارجه اتحاد شوروی با اشاره به "همدردی" یا "براداران افغانی" تلویحاً مورد حمایت قرار گرفته است. و ایران را در صف دیگر حامیان این "براداران مجاهد افغانی"، که پاکستان کیدتسا زده، مصر امریکازده و آقای برزیسکی که به بازدید اردوگاه این "براداران افغانی" رفت، قرار داده است.

مشکل نویسنده مقاله کیهان و همه آنهاست دیگری که به درستی معتقد اند که تا زمانی که "حمایت های جهانی شوروی" از انقلاب مردم میهن ما ادامه داشته باشد، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در منطقه و جهان منزوی نشود، است، در آن است، که سیاست "مستقل نظام

جمهوری اسلامی ایران" را، که تحت عنوان شعار "نه شرقی و نه غربی" اعلام می شود یا "موازنه منفی" در ستیزه با حق با امپریالیسم آمریکا، دشمن بزرگ مردم میهن ما و شوروی ستیزی یکی می دانند این سیاست "موازنه منفی" القاء شده توسط برزیسکی و اعمال شده توسط قطب زاده معدوم و قطب زاده های هنوز فعال، "چشم اسفندیار" سیاست خارجی ایران را با تیر آغشته به زهر شوروی ستیزی مورد هدف قرار داده است، تا ایران به دست خود امکان دریافت و برخورداری از "حمایت های جهانی شوروی" را از بین ببرد و پشتوانه جهانی انقلاب را از دست بدهد. هیچ کس از ج ۱۰۱۰ به عنوان یک پیش شرط طلب نمی کند، که برای کمک برادرانه اتحاد شوروی به افغانستان حتی تفاهم داشته باشد، تا مورد "حمایت های جهانی اتحاد شوروی" قرار گیرد. اما این انتظار را از درایت مسئولان دست اندر کاران و دولت مردان ج ۱۰۱۰ می توان داشت، که برای حل اختلافات به راه مذاکره با دولت مستقل و صاحب حق حاکمیت افغانستان قدم بگذارند و از این طریق یک تمایز در سیاست خود با سیاست آقای برزیسکی و کارتر، هیک و ریتگان، ملک خالد و ضیاالحق نشان دهند.

این پیش داری و عدم درک اوضاع مشخص جهانی است، که گفته شود "شوروی معتقد است که هر تحویلی می بایست به تحکیم اردوگاه سوسیالیسم منجر شود." درست آن است که تمام نیروهای ترقی خواه جهان در عمل ویرانیک انقلابی و اجتماعی خود به این نتیجه رسیده اند، که "هر تحول اجتماعی" که بخواهد پابرجا بماند و در جامعه بشری پدیده های جدیدی عرضه کند ("مقاله کیهان)، "انوقت" می بایست در سیاست ضد امپریالیستی خود پیگیری باشد، "می بایست" با دشمن قاطعانه و دشمنانه برخورد کند. و اگر "هر تحول اجتماعی" چنین سیاستی را دنبال کند، "انوقت جای خود را در اردوگاه عظیم جهانی ضد امپریالیستی، در کنار خلق های آزاد شده دیگر و هم صفا با کشورهای سوسیالیستی و جنبش های مترقی کارگری خواهد یافت. کوشش امپریالیسم برای القاء "سیاست" موازنه منفی "شوروی ستیزی و ستیزه با حق با امپریالیسم هم درست برای جلوگیری از جهت گیری "مستقل" جنبش های آزاد بینخاست!

تجربه انقلاب های خلق ها نشان داده، که فقط آن انقلاب ها که جای خود را در اردوگاه ضد امپریالیستی یافته اند، پابرجا ماندند و از درون مسخ نشده اند و توانستند "پدیده های جدیدی عرضه" کنند. حتی یک نمونه عکس این واقعیت را نمی توان برشمرد!

البته بین دوستان و هم جبهه ای ها اختلاف نظر وجود دارد. این امری است طبیعی. غیر طبیعی آن است، که مادر چالهای که دشمن کند، است بیفتم و نتوانیم با دست و پا خداتسل "دشمن دشمن" خود، با زبانی دیگر، یعنی با زبان قاطع و صریح، اما دوستانه صحبت کنیم. بلکه همان زبان را به کار گیریم که با دشمن به کار باید گرفت: زبان قاطع و صریح و دشمنانه!

در سیاست دفاع و پشتیبانی از انقلاب ما نه بقیه در صفحه ۴

در هفته ای که گذشت:

باید در فکر کار گران باشیم، همین امروز، فردا دیر است

در هفته گذشته نیز علیرغم کوششهای نیروهای معینی برای مسکوت گذاشتن بحث در مورد پیش نویس قانون کار، دستنخست آقای توکلسی و سرکاره در مرکز توجه مسئولان معتمد و پيسروان راستین خط امام قرار گرفت و به عنوان موضوع بحث اصلی شکل ها و محافل کارگری و افکار عمومی باقی ماند.

در سمینار بررسی پیش نویس قانون کار، که به دعوت کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات وابسته به خانه کارگر روز ۱۵ دیماه با حضور بیش از دو هزار تن از نمایندگان شوراهای و انجمن های اسلامی برگزار شد، آیت الله موسوی اردبیلی طی سخنانی گفت:

"ما امروز همین امروز فردا دیر است همین لحظه لحظه بعد دیر است باید در فکر این طبقه باشیم فکری، فکر کار فکر کارگر"

"... مسئله کار در این مملکت باید حل شود مسئله کار و کارگر چیست ارج کارو کارگر، مقام کارو کارگر، نیاز نار و کارگر صلاح کار و کارگر از کجا شروع کنیم، ما در آحاد مسئله هستیم هنوز از کارگر نیرو می گزیم. اما هنوز مسئله مسکن برای کارگر حل نشده مسئله بهداشت برای کارگر حل نشده و مسئله خدمات برای کارگر حل نشده و مسئله پیش آمد های غیر قابل پیش بینی، افتادگی شکستن، معلول شدن، هنوز حل نشده مسئله آموزش برای کارگر حل نشده مسئله سلامتی مزاج برای کارگر حل نشده، کیست که نهد درآمد روزی ۱۰۰ تومان، ۱۵۰ تومان با مخارج بالا، این درآمد غیر قابل تحمل است. ما سطح بالای تولید می خواهیم حق هم داریم خود کفایت می خواهیم حق هم داریم اما به چه وسیله به چه امید و چه انگیزه و چرا؟"

این ها را چه کسانی باید تامین کنند این گروه بدست چه کسی باید باز شود. در کشور - های دیگر با تعطیل، با اعتصاب با هرج و مرج با حرکت های مخالف شروع می کنند کشور اسلامی که نباید اینجوری باشد همه قبول داریم. اما نباید باشد مشکل باید حل شود یا منکسر بماند؟ چطور حل شود. من می گویم شرعاً حرام است برای شما اعتصاب، کم کاری و شما می گوید ما نمی کنیم ولی مشکل ما چگونه حل شود. مسأله چگونه به خواستمان برسیم شما بگوئید نیازهای ما چگونه برطرف شود. اسلامی که گفته اعتصاب

و کم کاری حرام است برای این راهی گذاشته یا اینکه این مشکل باید بماند. همه اینها را باید قانون کار حل کند. قانون کار را باید کمی بنویسد که با کارو کارگر سروکار داشته باشد قانون کار را کیست که نداند اگر هرکس بایک مشکل و با یک مسئله آشنایی نداشته باشد مواظبت کامل و پیشگیری کامل را نمی تواند انجام دهد. من ندانم در این محیط چه می گذرد و آشنایی به این محیط نداشته باشم چگونه برای این محیط قانون بنویسم.

شناخت کار و کارگر نیاز کار و کارگر صلاح کار و کارگر يك مسئله ساده زیر پا افتاده نیست يك مسئله برچیده است. تا کی ما میتوانیم مسئله ساده گرفتن يك کارگر سرکوبه برای تعمیر باچه با يك کارگر تولیدی را مقایسه کنیم و يك حکم را برای هر دو اجرا کنیم. ما نباید به این کارگران به این دنیا چنین بگوئیم که اسلام طرحی بساری حل مشکلات کار و کارگر ندارد و این خیانت به اسلام است. ما اسلامان چهارده قرن پیش از این بود، چهارده قرن است که در اسلام بحث های اسلامی قه بسیار غنی داریم. از مسکن می پرسند آقا بیمه کارگر یا اسلام مخالف است، می گویم نه می گویند در رساله نوشته است مگر وزیر را در رساله می نویسند."

"... اسلام ایست که کارگر هیچ آتیه ای نداشته باشد؟ اسلامی این است که کارگر هیچ امنیت شخصی نداشته باشد، اسلامی این است که بخش خصوصی هر چه گفت کارگر بگوید چشم و هر وقت خواست بجنبد بگوید برو بیرون؟ اسلامی این است؟ اسلامی این است کارگر ساعات کارش معین باشد درآمدش کفاف مخارجش بکند مسائل حل شود."

"... آیا اسلام جامعهای را می خواهد و طرحی را می پسندد که امکاناتش در اختیار همه باشد؟ یا تمام امکانات در اختیار يك عده افراد معین و محرومیت برای دیگران؟ اسلام می گوید امکانات مال يك گروه، کار مال گروهی دیگر؟ اگر این جور اسلام را معرفی بکنیم، میدانید چه خیانتی به اسلام کرد فایم؟"

"... من امروز به شما در این اجتماع قول می دهم اسلامی که راه را ببندد مسئله کارگر را غیر قابل حل بگذارد ما چنین اسلامی نداریم."

جبهه متحد ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی

حجت الاسلام خاتمی در دیداری با وزیر نفت لیبی که در راس يك هیئت اقتصادی از کشور مان دیدن میکنند، با اشاره به نفوذ روز افزون امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکائی در منطقه و وابستگی هرچه بیشتر دولتهای مرتجع منطقه به آمریکا گفت:

"کشورهای مترقی باید در جهت ایجاد يك جبهه ضد امریکائی و صهیونیستی تلاش کنند (بویژه تقویت جبهه پایداری می تواند یکی از تلاشهای عمده ما باشد)."

ایشان افزودند:

"دولتهای مترقی میباید نقش اساسی در جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه داشته باشند و در مقابل فشارهای سیاسی و تبلیغاتی آنان مقاومت کنند."

رئیس جمهور با اشاره به وضع بین المللی نفت گفت:

"مسئله مهمی که هم اکنون برای دنیای اسلام و عرب وجود دارد، این است که دولتهای مرتجع به چه حقی این سرمایه عظیم را در خدمت هدایح آمریکا قرار می دهند و می خواهند بسا درآمد حاصل از فروش نفت وسیله ای برای مقابله با ایده های انقلابی و اسلامی در منطقه بدست آورند این مسئله ای است که باید جسدا در مقابل آن مقاومت شود."

پنجمین کنفرانس فوق العاده جنبش غیر متعهدها

پنجمین کنفرانس فوق العاده دفتر هماهنگی جنبش غیر متعهدها در مانا کوته پایتخت نیکارا - گوته برگزار شد. در این کنفرانس ۱۰۰ هیئت نمایندگی و تعدادی ناظر و میهمان شرکت داشتند این اولین کنفرانس بود که موضوع بحث آن را بویژه مسائل آمریکائی لاتین و حوضه دریای کارائیب تشکیل میداد. اکثر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس اعلام کردند که تشکیل این کنفرانس در نیکارا گوته نشانه همبستگی عمیق این جنبش با مبارزه ضد امپریالیستی خلق نیکارا گوته و پشتیبانی از این کشور انقلابی در برابر تجاوزات مکرر عمال امپریالیسم آمریکاست. دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز که در این کنفرانس شرکت داشت موضع دولت را در پشتیبانی از انقلاب نیکارا گوته اعلام و عطایات خرابکارانه امپریالیسم آمریکا در برابر این کشور انقلابی را محکوم ساخت. در مشاوات ۵ روزه این کنفرانس اوضاع متشنج آمریکا مرکزی، خطرات سیاست تجاوز کارانه آمریکا در منطقه و موقعیت بغرنج اقتصادی کشورهای این قاره مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در سند نهایی بقیه در صفحه ۹

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۸

این کفراس، از جمله خواسته شده است که آمریکا به تفسیفات خود علیه کوبا پایان داده و نیروهایش را از پایگاه گوانتانامو در کوبا، خارج سازد. هم-چنین کمکهای آمریکا به رژیم حاکم در السالوادور شدیداً محکوم گردیده و خواسته شده است که مسئله السالوادور طبق پیشنهادات نیروهای انقلاب کشور از طریق مسالمت آمیز حل و فصل شود. در این سند اوضاع دیگر کشورهای "استبداد زده" آمریکای لاتین نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

تروویستهای اقتصادی با حرکتی خرنده جامعه را به سوی نارضایتی عموفی سوق میدهند!

روزنامه صبح آزادگان در شماره ۱۵ادی خود نلی نامهای به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بدرستی به ضرورت مبارزه تروویسم اقتصادی اشاره نموده مینویسد: "امروز جنگ در صدر مسایلی جامعه قرار داشته و حزب الله با حضور گسترده خود در جنبه‌های نبرد حق علیه باطل ضربات پیاپی حویش را یکی پس از دیگری بر پیکر متجاوزین صدامی وارد میکند. ولی در کنار این مسئله، امت با مشکل بزرگی روبروست که همچون خوره به

جانش افتاده و میکوشد که توانش را به تحلیل برزد. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره يك مشکل که هر روز ابعاد وسیع تری به خود می‌گیرد موجب آزار مردم گردیده است. البته غرض از مردم همان توده‌های محروم و مستضعف جنوب شهری و قشری است که بنابه فرموده خود صاحبان اصلی انقلابند. این مسئله که در حال حاضر ابعاد وحشتناکی به خود گرفته و باعث آزار و نارضایتی عمومی در جامعه گردیده، تروویسم اقتصادی در غالب احتکار و ناشی از غارتگری‌های اقتصادی است. این مشکل را باید خطرناکتر از مشکل منافقین و یا گروهک‌های مغرب به حساب آورد زیرا محاربین با ترورهای جسمانی خویش يك فرد ولو مهم و اسوه را بسه شهادت رسانده و همیشه نیز با انزجار امت روبرو شده‌اند ولی تروویست‌های اقتصادی با حرکتی خرنده جامعه را به سوی نارضایتی عمومی سوق داده و آنرا به حالت انفجار می‌رسانند. خطر این گروه که اقلیت ناچیزی می‌باشند بقدری است که میتواند انقلاب اسلامی را از مسیر اصلی و الهی خود خارج کرده و بار دیگر مسایلی مادک را در صدر خواست‌های امت قرار بدهد. لفا از همان روزه‌های اولیه با این گروه کسه گران فروشی‌ها، احتکارها، کم‌فروشیها، سوء-استفاده‌های کلان و انواع و اقسام نارسائی‌های اقتصادی را دامن زده برخورد قاطعی نشده است تا جائیه امروزه براسستی مردم از مشکلات عدیده اقتصادی به تنگ آمده‌اند. این مشکل که از ابتدا با بی‌توجهی مسئولین روبرو گردیده، به اندازه‌ای رشد کرده که حالت خطرناکی رسیده است. البته تیهه بدین امر نیز باید بسود که تمامی مصائب و نابسامانی‌های اقتصادی متوجه محرومین و مستضعفانی است که در جنبه‌های

جنگ به نبرد با خصم پرداخته و یا در ارگان‌ها انقلابی مسغول خدمتند و بفرموده شما صاحبان اصلی انقلابند. مسئله تروویست‌های اقتصادی می‌تواند موجب خوراک تبلیغاتی گروهک‌ها و فرصت طلبان گردد و اینک، ای امام، ای فریاد-رس محرومان و ای مشکل گشای حزب الله، امت در طول سالیان دراز به خوبی به توانایی شما در فائق آمدن بر مشکلات پی برده است. مشکلاتی که از ابتدا غیر قابل حل بنظر می-رسیدند ولی با دور اندیشی شما به راحتی حل شدند. در حال حاضر امت حزب الله، همان جان برکفانی که در جنبه‌های نبرد با دشمن در ستیز است، همان ایثارگری که در سنگسار کارخانه با استکبار جهان در نبرد می‌باشند و تمامی توده‌هایی که در صفوف متشکل به روبرویی با شیطان بزرگ برخاسته و گفته تاریخیتان را که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند را جنبه عمل پوشانند. امروزه این قشر عظیم به تنگ آمده از ظلم و جور و جپاوت و غارت تروویست‌های اقتصادی بار دیگر رو به سوی شما آورده و میداد که تنها این قاطعیت را باید در وجود شما جستجو کند منتظر اوامرتان است تا این مشکل را نیز همچون دیگر معضلات حل نماید. دلیل اصلی چنین تقاضا اراده قاطع و دلسوزانه‌ای میدانند که تنها و تنها با دست شما حل خواهد شد چه اینکه بی‌توجهی به مسئله تروویست‌های اقتصادی از ابتدای امر تا بحال می‌باشد که موجبات رنجند آنها را فراهم آورده است. امروز چشم امید تمامی محرومین جامعه به شماست تا با پناهی و یا سخنی امر به ریشه کنی این مشکل بزرگ جامعه نموده و راهگشای امت شو-ید.

اعضاء و هواداران حزب تود ایران در هندوستان سالگرد انقلاب اکبر را گرامی داشتند

از سوی هواداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند بنسبست انقلاب اکبر اعلامیه‌ای انتشار یافته است، که در آن از جمله می‌خوانیم: "قرن ما سرشار از رخدادهای ستیبرگ تاریخی است. لیکن هیچک از آنها با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر از لحاظ نیروی تاثیر آن بر سرنوشت بشریت برابری نمیکند. پیروزی انقلاب دوران ساز اکبر، حادثه‌ای که "فلک را سقف بشکافت" و در تاریخ بشریت طرحی نو در انداخت، جنبش سترگی کسه در آن کارکرد و دهقان "بهم ساختند و به رهبری حزب لنین بزرگ بنیاد استبداد تزاری و سرمایه داری را در پهنانور ترین کشور جهان برانداختند. پی ریزی حکومت شوراها سرفراز گذار جهان از سرمایه داری به سوسیالیسم، جامعه فارغ از استعمار و طبقات، سیاست نوین بین المللی عاری از هرگونه سلطه جوئی و جنگ طلبی و فارغ از ستم ملی و بین‌المللی اجتماعی را به جامعه ترقی خواه و زحمتکش بشری بشارت داد و به تمام گردانهای جنبش جهانی کارگری تحرك انقلابی

نیرومندی یخشید، برای گسترش مبارزات ملی و رهائی بخش کشورهای مستعمره و وابسته امکان داد و در نای تازه‌ای پدید آورد و طیفه کارگر را به طور نهائی و بی بازگشت در مرکز زندگی اجتماعی دوران معاصر قرار داد. سپس در ادامه مطلب در ارتباط با انقلاب شکوهمند مردم ایران در اعلامیه آمده است: "انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر گرچه در نگاه اهل رویداد مربوط به کشور مشخصی بوده لیکن در حقیقت تحولی بوده در تاریخ سرتاسر جهان و برای کشور ما نیز اهمیت شایسته خود را داشته است. ذکر شمعی از کمکهای این انقلاب عظیم از قبیل خروج نیروهای روسیه از ایران در سال ۱۹۱۷، القای قرار داد تقسیم ایران، فراهم نمودن شرایط برای القای رژیم کاپیتولاسیو در ایران، ایجاد موسسات بزرگ صنعتی بنیادی (دوب آهن و...) و دفاع بیدریخ از همسه جنبشهای اصلی و انقلابی مردم ایران هشتتیبی قاطع از انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی در قبال تهدیدها و توطئه‌های امپریالیسم جهانی، خود شاهد درخشان

وفاداری اتحاد شوروی به اصول انقلابی و انترناسیونالیسم پرولتری، به آرمان برادری و دوستی خلقها در نمونه مشخص مهبین عزیز ما بوده است. با کمال تأسف باید بگویم که در یک دوران طولانی پیش از نیم قرن رژیم پهلوی، مراکز تبلیغاتی سیاه موماد و اینتلجنس سرویس، عواظ السلاطین و انواع گروهکهای تروویستی و مائوئیستی چه داستانها، چه هذیانها و چه اباطیل ضد شوروی و ضد سوسیالیستی کسه نگفتند. تاثیر این تبلیغات سراپا دروغ بود که است که عده‌ای ناآگاه حتی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند مان کماکان یاوه گوئی‌های ضد شوروی و ضد سوسیالیستی را تکرار میکنند، و عده‌ای هم آگاهانه به این تبلیغات دامن می‌زنند که رهنمود برزیسکی برای ایجاد و دامن زدن به "جوسو" ظن و عدم اعتماد... بین ایران و همسایگانش اجرا کنند، به این امید کسه اتحاد شوروی حمایت سیاسی خود را از... جمهوری اسلامی خمینی قطع کند. امپریالیسم جهانی از رهنمود برزیسکی این هد فراد نیال میکند که کشور از بند رسته ما در مقابل توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم جهانی نتواند از صمیمی-ترین دوست و مدافع خود آنطور که لازم و شایسته است استفاده کند، و دوستان و دشمنان خود را در سطح جهان تشخیص دهد و انقلاب را ضربه ناپذیر گرداند.

مارکسیسم و اسلام

انتقاد ازنا هنجاریهای اجتماعی بر روی زمین است" مارکسیستها در کشورهای مسلمان آزادی خود را برای همکاری یا عناصر دیکراتیک در جنبش های اسلامی ابراز میدارند . دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست تونس ، محمد هرمل در تشریح موضع حزبش در رابطه با اسلام - ر صاحبهای با روزنامه ایتالیایی " اوینتا " اظهار داشت: " ۰۰۰ ما در یک کشور اسلامی زندگی میکنیم ، و ما میتوانیم بگوئیم که اسلام مذ هب یک شخص و یا یک حزب نیست ، بلکه مذ هب کل مردم است . ما طبیعتا فعالانه از عناصر مترقی و دیکراتیک آن حمایت میکنیم اما از ارتجاعیون پشتیبانی بعمل نمی آوریم . باید این را روشن کنیم که این مبارزه ای که جریان دارد مبارزه بسین مسلمانان و غیر مسلمانان نیست ، بلکه یک مبارزه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی وایدنولوژیک است . بنابراین به هیچوجه مبارزه بر سر مذ هب نیست ."

مخالف سرمایه داری و ارتجاعی در کشور های مسلمان در تلاشند تا از نفوذ مذ هب در توده های مردم بعنوان مانعی بر سر راه گسترش اندیشه های مترقی استفاده کنند . برای مثال در افغانستان ضد انقلاب با استفاده از شعارهای " دفاع از اسلام " علیه " نفوذ بیگانه " سعی در دعوت به مبارزه علیه " خدا شناس ها و کمونیستها " دارد .

ضد انقلاب در تلاش خود برای فریب دادن توده ها و بکارگیری مذ هب به عنوان سلاحی علیه مبارزه ضد - امپریالیستی ، سعی دارد کشور را از سیر در مسیر مترقی آن بازدارد .

بحث آغاز شده توسط نظریه پردازان سرمایه داری بقیه در صفحه ۱۱

ارزیابی و نتیجه گیری بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۱ نیز مؤید این نظر است که در دوران ما هم مبارزه آزاد بیخشم می تواند زیر پرچم اسلام صورت گیرد . اما در عین حال باید توجه داشت که ارتجاع نیز برای ایجاد شورش های ضد انقلابی به طرح شعار های اسلامی می پردازد و از آنها سوء استفاده می کند . جنبشهای رهائی بخش ضد امپریالیستی نقش عظیمی در پیشرفت روند انقلابی در کشورهای خاور میانه بازی میکند . با توجه به این واقعیت که مذ هب کماکان بصورت شکل حاکمی از آگاهی اجتماعی در این کشور هاست ، با توجه به اینکه مردم بنا مذ هب مختلف در امر مبارزه برای پیشرفت اجتماعی شرکت می کنند ، مارکسیست ها می کوشند تا آنها را به این مبارزه جلب کنند . این حقیقت که مارکسیست ها تغییر و تحولات مترقی که زیر پرچم اسلام انجام میگیرد حمایت میکنند بهیچوجه بسفحی عدول از نظر مارکسیستی نیست .

در بیان موضع کمونیستهای عرب در رابطه بنا اسلام در مرحله کنونی نهضت های انقلابی در کشورهای عربی ، مارکسیست هری م ۱۰ الحلیم می نویسد . که مارکسیسم " نهادی برای ترویج الحاد و خدا شناسی نیست ، بلکه مدافع و مبلغ تئوری تغییر و نوسازی انقلابی جامعه است . بنابراین کسار مارکسیستهای عرب " انتقاد از بهشت نیست بلکه

اخیرا ایدئولوژیهای نواستعماری در باره دشمنی و سازش ناپذیری مارکسیسم و اسلام فراوان سخن می گویند . آنها مارکسیست ها را متهم میسازند به اینکه با معتقدان مذ هبی و جنبش های سیاسی - ای که زیر شعارهای مذ هبی مبارزه میکنند غرض - روزی میکنند - آیا واقعا چنین است؟

بعضی مارکسیست ها آنچه در عرصه مسائل سیاسی اهمیت درجه اول دارد پایگاه طبقاتی معتقدان به مذ هب و سازمانهای آنها است و نه نفس مذ هب آنها . لنین بنیان گذار کشور شوروی ، که تجسم کاملی از قوانین و تاکتیکهای کمونیست ها را نسبت به مذ هب و معتقدان ارائه داد ، تأکید میکرد ، که اتحاد زحمتکشان ستم دیده در مبارزه بر علیه استثمارگران برای کمونیست ها در مرکز توجه قرار دارد . منظونی از برخورد مارکسیستی به اعتقادات مذ هبی زحمتکشان و مسائل ملی آنان و شیوه حل آنها را بعد از انقلاب اکتبر ، در سال ۱۹۱۷ ، در مورد مسلمانان روسیه مشاهده می کنیم که آنان را از تمام شکل های ستم اجتماعی ، ملی و مذ هبی رهائی بخشید .

بنیاد گذاران مارکسیسم - لنینیسم مکرر در فکر بر صورت ارزیابی نقش سیاسی مذ هب در مقطع معین تاریخی تأکید ورزید مانند . لنین جنبش های مذ هبی ضد استعماری و رهائی بخش را که زیر پرچم اسلام صورت میگرفت ، مثبت ارزیابی میکرد .

زحمتکش جامعه همه جریانات مخالف و عناصر راستگرا و همه طیف ضد انقلابی به آن متوسل می - شوند .

آنکه آمریکا و توطئه های آنرا زیر سایه قرار دهد و به فراموشی بسپارد تا کتکی است که امروزه در جوار ناراضی تزاری در بین وسیعترین اقشار



هنوز بعد از شاه نوبت آمریکا و ادنابش است

بقیه از صفحه ۱

کوشیده است و میکوشد تا مردم قهرمان ما را بزانو در آورد و میهن ما بار دیگر به زیر سلطه جنایتبار خود در آورد .

امپریالیسم آمریکا با کمک مستقیم به رژیم چنا - بتار صدام برای ادامه جنگ تجاوز کارانه علیه ایران انقلابی با تقویت روز افزون نیروهای نظامی - دریایی خود ، سرهم بندی کردن نیروی داخله سریع و ایجاد " فرماندهی مرکزی نظامی - سیاسی " ، با تسلیح روز افزون پاکستان و ترکیه و تقویت پایگاههای ضد انقلابیون فراری ایران در این دو کشور ، تمام آن تدارکاتی را که برای یک اقدام قهرآمیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران لازم است ، انجام میدهد .

امام خمینی ، ما حاصل تجربه انقلابی مردم ما را در عبارات کوتاه و بسیار پرمعنا بسیج کنند ه " دشمن مشترك همه ما آمریکاست " جهان بداند ایران راه خود را یافته و تا قطع منافع آمریکای جهانخوار ، این دشمن کینه توز مستضعفین جهان ، با آن مبارزه های آشتی ناپذیر دارد " بیان کردند . شناخت این دشمن مشترك و توجه کردن همه فریاد ها و آتش ها بسوی آن رهنمود رهبر انقلاب و وظیفه مبرم و سرنوشت ساز همه نیروهای اصیل انقلابی است . منحرف کردن همه تیز شعارها و فریاد ها از سوی دشمنان اصلی ما آمریکا بسوی آماجهای دیگر به منظور

از قانون اساسی دفاع کنیم

لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی موربانه قانون اساسی است.

۰۰۰ خط انقلاب، خط ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد فتودالیسم است ۰۰۰ شهید بهشتی

در شماره ۱۸ "راه تسوده" اولین قسمت بررسی "لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی" را خواندید. در این شماره بیسه بررسی "لایحه" ادامه می دهیم.

همانطور که در قسمت اول، نیز اشاره شد روح حاکم بر این لایحه، همانند روح حاکم بر پیش نویس قانون کار آقای توکلی و شرکا و بیسا برخورد شورای نگهبان به اصل ۴۴ قانون اساسی با "روح مردمی" قانون اساسی واهداف انقلاب در تضاد است.

شهید بهشتی که در جوار آیت الله العظمی منتظری، آیت الله طالقانی و دیگران یکی از شخصیت های برجسته تدوین کننده قانون اساسی ج ۱۰۱۰ و مدافع اصلاحات ارضی انقلابی بیسه نفع زحمتکشان روستا و براندازی بزرگ مالکسی و فتودالی بود، خط انقلاب را که در بزرگترین دستاورد آن: قانون اساسی، تثبیت شده است "خط ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد فتودالیسم" ۰۰۰ اعلام می کند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گزار ج ۱۰۱۰ نیز بارهسا این "خط انقلاب" را تشریح کرده اند و از انقلاب "کوچ نشینان علیه کاخ نشینان" صحبت کرده اند. این واقعیت نیز نیازی بیسه توضیح ندارد، که اگر امروز هم این "خط انقلاب" به همه بررسی خلق ایثارگر و مدافع انقلاب گذشته شود، خلق یک صدا و همانند تن واحد به آن رای مجدد مثبت می دهد و از آن با رای خود همانند مردک جسم دفاع می کند.

در مقابل این خط، خط سرمایه بیسه داران راستگرایان و عاال آنها قرار گرفته است. این بیروهان هم آنها که "دوستان نسیان" هستند، و هم آنها که کسبیری های هنوز شناخته نند هاند. دست به یک بیورش همه جانبه بیسه "خط ضد سرمایه داری و ضد فتودالی" انقلاب زد هاند و دیری نخواهد بایند، که برای تکمیل ارکستر زشت و ناهنجار خود "خط ضد امپریالیستی انقلاب" را هم مورد هجوم عظمی قرار دهند.

در مرحله فعلی بیورش خود، عناصر فوق الذکر - همانطور که در قسمت اول نیز نشان داد هاند - دست به آیکی کردن اصول قانون اساسی و "خط انقلاب" زد هاند. نمونه دیگری از این بیورش را از جمله در ماده ۴۲ "لایحه" می بینیم.

همانطور که اخیرا در فتوای امام خمینی نیز در تائید اصل ۴۵ قانون اساسی ج ۱۰۱۰ اعلان شده، ثروت معادن نفت، ثروت ملی است و در آمد آن در اختیار دولت ج ۱۰۱۰ قرار دارد. بیسه

است که اصل ۴۵ قانون اساسی، که در فتوای امام خمینی یکبار دیگر تائید و تاکید می شود، یعنی اصل ملی بودن ثروت های طبیعی، فقط شامل ثروت نفت نیست، بلکه اصل عام و همسه شمول است. به عبارت دیگر تمامی ثروت های ملی و عمومی - مانند معادن - زمین - آب - جنگل - مراتع - نیزارها - ثروت های کسه موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی است در مالکیت ملی و تمام خلق است و به اصطلاح تحسنت "مالکیت دولتی" (مالکیت دولت اسلامی) است.

سرمایه داران، فتودالها و راستگرایان البته فعلا با این اصل امکان در افتادن ندارند و چاره ای نمی بینند، که به ظاهر به آن تن بد هاند. از اینرو مجبورند در ماده ۴۲ "لایحه" بیسه این متن به ظاهر گردن نهند و بنویسند: "ماده ۴۲ زمینهای که بطور طبیعی و بر حسب اصل خلقت آباد و قابل استفاده است ۰۰۰ جزء انفال و اموال حکومت اسلامی است ۰۰۰ البته اگر متن ماده ۴۲ به همینجا خاتمه می یافت معنی آن این بود، که فتودالها و مدافعان زمینداری بزرگ با یک اصلاحات ضد فتودالی و انقلابی مخالفتی نمی داشتند. اما واقعیت این طور نیست. آنها ۲ سال است که سخت مشغول "سخن شرمی" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب اند بدیهی است که در "لایحه" مورد صحبت ما هم به این اساسی تسلیم نمی شوند و نقد هاند و با یک "ولسی" مانند خوره به تن این "ثروت ملی" اقتاده هاند شایان توجه است، که "ولی" مطرح شده در این ماده ۴۲ "لایحه" همانطور که در زیر نشان داده شده است عمللا زیر آب قانون اصلاحات ارضی انقلابی را هم می زند. لایحه اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب، که آیت الله العظمی منتظری و آیت الله مشکینی و شهید بهشتی انطباق آن را با "موازین اسلامی" تائید کرده هاند، هدفش براندازی بزرگ مالکسی و فتودالی است. اما فتودالها و بزرگ زمینداران با آن مخالفتند و، همانطور که در بالا نیز اشاره شد، بیش از دو سال است که به اسوع حلی و صور سعی در "سخن شرمی" آن دارند. لذا باید خیلی عجیب می بود، اگر همین سرمایه

زاده ها و فتودال زاده ها و راستگرایان و عاال آنها به یکبار "انسان" سربراهی می شد ند و در "لایحه" موضوع بررسی ما بیسا "ولی" به سخ اصل ملی بودن ثروت های عمومی نمی رفتند، که رفتند. آنها در دنباله متن ماده ۴۲ "لایحه"، که زمین های فوق الذکر را "جزء انفال و اموال حکومت اسلامی" اعلام می کند، می نویسند: "ولی اینگونه زمینها نیز بیسا اجازه دولت اسلامی قابل استغلاک است ۰۰۰ البته ما با این مخالفتی نداریم، که "دولت

اسلامی" زمینهای که ۰۰۰ آباد و قایسل استفاده است" در اختیار زحمتکشان که بر روی آن زمین ها کار بکنند، بگذارد و بذر و آب، اعتبار و غیره را برایشان آماده سازد، محصولشان را با قیمت تثبیت شده بخرد ۰۰۰ نکته ای که با ظرافت در این بند گنجانده شده است و ما با آن مخالفیم، اما آن است که آقایان (خانم - ها که ظاهرا در تنظیم "لایحه" شرکت نداشتند) هوس "تلك" این زمینها را در سر می پروراندند! می خواهند به کمک این "لایحه" این تلك را قانونی کنند!

مسئله با "اجازه دولت اسلامی" هم تعارف است، زیرا در ماده بعدی، یعنی ماده ۳ - ۴ "لایحه"، صاف و ساده شیوه این تلك را که "بوسیله حیات است" بیسه روی سفید نو - شتاند و ثبت کرده اند: "ماده ۴۳ - استغلاک زمینهای آباد طبیعی (یعنی همان زمینهای ماده ۴۲) بوسیله حیات است. هرگاه چنین زمینی را کسی بقصد مالك شدن برای زراعت مرز بیند و شیار کند و زراعت نماید، (آسرا) مالك می شود، (تا اینجا هنوز راضی شان نکرد) است و دست به محکم کاری می زند، که (حتی تنها شیار کردن و شخم زدن برای زراعت بقصد (!) مالك شدن کافی برای استغلاک (زمین) است ۰۰۰" همانطور که ملاحظه می شود دعوا بر سر لحاف ملا، یعنی "مالك" شدن زمین است و بیس! از این رو دیگر مسئله "اجازه دولت اسلامی" دیگر بکلی فراموش شده است.

ادامه دارد

مارکسیسم و اسلام

بقیه از صفحه ۱۰

در باره این پرسش که "آیا مارکسیست ها دوستان اسلام هستند یا دشمنان آن"، بخش است ساختگی و دور از واقعیت. مسئله باید بصورت دیگری مطرح شود: چه کسی دشمن و چه کسی دوست مردم مسلمان است؟ از نظر مارکسیست ها، استعمارگران خواه مسلمان باشند، خواه منکر خدا، هردو دشمن مردم زحمتکش هستند. اما امپریالیسم بطور اعم فقط دشمن نیروهای مترقی و دمکراتیک (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) در جنبشهای اجتماعی کشور های اسلامی است. از طرف دیگر نیرو های جاساندار فتودالیسم و ارتجاع که زیر پرچم اسلام عمل میکنند، پشتیبانی کرده و به آنها کمک میکنند.

بر روشنی دیده می شود که امپریالیسم جهانی، به رهبری ایالات متحده آمریکا، حملات خود را علیه مردمی که در خاور میانه برای کسب آزادی و استقلال خود دست به مبارزاتی عادلانه زد هاند، شدت بخشیده است. امروز مردم کشورهای مسلمان بهتر از هر وقت دیگر تشخیص مید هند که "دلواپسی" امپریالیستها برای اسلام و دروغهای آنها در مورد خطر موهوم ایدئولوژی مارکسیستی به چه هدفی خدمت میکند. محمد منتظری سیاستدار ایرانی کسی که نمیتوان او را متهم به طرفداری از مارکسیسم کرد، گفت: "از کمونیسم لولویی ساختند که ما را به سمت غرب هل دهند."



روستو مجبور به استعفا شد

یوجین روستو، مدیر اداره کنترل تسلیحات و خلع سلاح ایالات متحده آمریکا، تحت فشار محافظان راست افراطی دولت آمریکا و درخواست مستقیم ریگان از سمت خود استعفا داد.

روستو که مسئولیت مذاکرات خلع سلاح ژنو را نیز در اختیار داشت، طی بیانیهای تاکید کرد کسه محافظی که خواهان عقد هیچگونه قراردادی در این زمینه نیستند، در نظر دارند این اداره (کنترل تسلیحات و ۰۰۰) را در اختیار خود گیرند. وی هفته گذشته این محافل را متهم به کارشکنی در تنظیم موافقتنامه‌های در رابطه با خلع سلاح با اتحاد شوروی کرد. وی در ترمای مذاکرات و تنظیم موافقتنامه‌های با اتحاد شوروی را با توجه به پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مثبت ارزیابی کرده بود.

خبرگزاری آسوشیت پرسی گزارش داد که روستو زیر آتش کج سفید و گروهی از سناتورهای محافظه کار جمهوریخواه استعفا داده است.

موضوع جالب و پراهمیت تغییر موضع خود روستو از زمان احراز این پست تاکنون بوده است، چه ناظران سیاسی در آن زمان برکناری وی را برای انجام این مأموریت نشانه خوبی برای پیشرفت ایسین مذاکرات مهم بین دو کشور نمیدانستند.

دیدار نخست وزیر جمهوری خلق چین از زامبیا

ژائو یانگ، نخست وزیر جمهوری خلق چین، در طی دیدار خود از زامبیا، نظر کشور متبوع خود را در رابطه با اوضاع جنوب آفریقا تشریح کرد.

نکته جالب در این سخنان تغییر موضع این کشور در رابطه با آفریقای جنوبی و بعضی کشورهای مرفی این منطقه، بویژه آنگولاست که در هفته گذشته چین مناسبات عادی دیپلماتیک با آن برقرار کرد.

ژائو یانگ در سخنان خود حمایت دولتش را از مبارزات کشورهای مستقل این منطقه در برابر تجاوزات رژیم حاکم در پرتوریا مورد تاکید قرار داد. وی همچنین گفت که دولت جمهوری خلق چین قاطعانه از مبارزه خلق آفریقای جنوبی برای رفع تبعیض نژادی، از مبارزه خلق نامیبیا برای کسب استقلال و کشورهای منقله برای حفظ حق حاکمیت و تمامیت ارضی پشتیبانی میکند.

یمن دمکراتیک برای تشنج زدانی

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن دمکراتیک در پلنوم اخیر خود کوششهای محافل امپریالیستی را در افزایش تشنج در اوضاع بین المللی و بویژه در منطقه خاور میانه را محکوم کرد.

پلنوم فعالیت‌های تب‌آلود سرفرمانده‌های بوی مسلح آمریکا در منطقه، برای علیات نظامی د

اتیانوس هند و خاور میانه و همچنین مانور مشترک نظامی اخیر آمریکا با کشورهای همسایه یمن دمکراتیک را شدیداً محکوم کرد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست یمن دمکراتیک ضمن پشتیبانی از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی در جهت محدودیت، کاهش و عدم استفاده از سلاحهای اتمی در مناقشات بین-المللی، آنرا بمثابه کوشش صادقانه اتحاد شوروی در پاسداری از امر صلح و در جهت تنش زدایی ارزیابی نمود و است.

یونان

دولت یونان در نظر دارد مهلتی برای بر-چیدن تمام پایگاههای نظامی آمریکا از خاک کشور مقرر سازد.

مردم این کشور با شرکت در نظاهرات عظیمی که در اکثر شهرهای بزرگ کشور برگزار شد، خواهان برچیده شدن فوری و بدون قید و شرط این پایگاه ها شدند.

آندراس پاندرئو، نخست وزیر یونان اظهار داشته است که "این پایگاهها استقلال ملی و حق حاکمیت کشور را محدود ساخته و هیچ اهمیتی برای حفاظت مرزهای یونان ندارند. وجود این پایگاهها تنها در خدمت منافع استراتژیک ایالات متحده آمریکا است."

آمریکا، چهار پایگاه بزرگ هوایی و دریایی و همچنین تأسیسات متعدد نظامی کوچک دیگری نیز در یونان در اختیار دارد. ۲۵۰۰ سرباز آمریکایی در یونان مستقرند.

در بعضی از این پایگاهها سلاحهای هسته‌ای انبار شده‌اند که گفته میشود برای استفاده "نیرو-های مداخله سریع" آمریکایی برای عمل در منطقه خلیج فارس در نظر گرفته شده‌اند.

دیدار یاسر عرفات از اتحاد جماهیر شوروی

یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد که اجلاس سران کشورهای سوسیالیستی در کنار خلق فلسطین در مبارزه آنها برای احقاق حقوق ملی و حق تعیین سرنوشت و تأسیس کشور مستقل ایستاد ماند. وی همچنین اظهار داشت که خلق فلسطین، تحت رهبری این سازمان و یاری کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مرفی جهان صمصانه به مبارزه خو

ادامه میدهند.

یاسر عرفات در مسافرت خود به اتحاد شوروی که هفته گذشته انجام گرفت، با یوری آندریف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، دیدار و گفتگو کرد. مسائل مربوط به اوضاع خاور-میانه و مبارزه خلق فلسطین در مرکز ثقل این مذاکرات قرار داشتند. اتحاد شوروی بار دیگر پشتیبانی خود را از مبارزات خلق فلسطین برای کسب حقوق ملی اعلام کرد.

آزادی بیانی که یک پیشین نامی ارزند

وزارت امور خارجه آمریکا از دادن ویزای ورودی به دو تن کویانی امتناع کرد. رسماً اعلام شد که ورود آنان "خطری است برای امنیت ایالات متحده آمریکا". این دو نفر، فلرنتینو کروس و آرنالد وسیلو چه کسانی هستند؟ شاید صحبت بر سر دو مأمور خطرناک جاسوسی و یا از آن بدتر تروریست هائی است که میخواهند برای انجام مأموریت های ویژه به آمریکا بیایند؟ اصلاً و ابداً این دو نفر از استادان مدرسه عالی حزبی، جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا هستند و میخواهند بدعت همکاران خود برای شرکت در کنفرانس فیلسوفان ایالات متحده آمریکا چند روزی به آنجا بروند. موضوع سخنرانی آنان هم از پیش اعلام شده است: مارکسیسم و کویا معاصر. یعنی هیچ کار پنهانی در میان نبوده است. بر عکس، سخنرانی کروس وسیلو جنبه کاملاً آشکار داشته و نمی‌توانسته موجب وحشت مقامات حاکمه آمریکا بشود. میتوان پرسید: آنهمه تعریف و تجعیدی که دستگاه های تبلیغاتی آمریکا در مورد وجود "آزادی گفتار" می‌کنند، وقتی سخنرانی دو فیلسوف کویانی برایشان غیر قابل تحمل است، بچه کار می‌آید؟ آیا ارزش این "آزادی گفتار" کمتر از یک پیشین نیست؟

کمک مالی به حزب نووده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

علی، آلمان فدرال ۳۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 25
Friday, 21 Jan. 83

Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 3p	P.	
West-Germany	Belgium 22	Fr.	
1	DM	Italy 350	L.
France 3	Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch.	Sweden 2	Skr.

تصحیح و پوزش

مناسفانه در شماره ۲۴، اشتباهات زیر رخ داد که ضمن پوزش از خوانندگان عزیز به صورت زیر اصلاح می‌شود:

در مقاله "چوب را که برداری ۰۰۰" صفحه ۴ ستون اول، سطر ۷، "بخشنامه" غلط و "فحشنامه" صحیح است. در همین مقاله در آخرین سطر کلمه "ایز" جا افتاده است و باید خوانده شود "ایز کم کردن".

در مقاله "تجهیز همه جانبه" امپریالیسم رای ۰۰۰، صفحه ۵، ستون سوم، سطر ۱۷ "ستیم" غلط و "نیستیم" صحیح است.